



دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تحلیل ساختاری و محتوایی «جزیره سرگردانی»

پژوهشگر

فاطمه مرادی پور

استاد راهنما

دکتر محمدرضا عمران پور

استاد مشاور

دکتر فروغ صهبا

پاییز ۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

تحليل ساختاری و محتوایی « جزیره ی سرگردانی »

اثر سیمین دانشور

فاطمه مرادی پور

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای

اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه عالی و نمره ۱۹/۵

دکتر محمدرضا عمران پور (استاد راهنما).....دانشیار

دکتر فروغ صهبا (استاد مشاور).....استادیار

دکتر حسن حیدری (داور).....استادیار

پاییز ۹۰

سپاسگزاری

خداوند مهربان و بخشنده را شاکرم که در تمامی مراحل زندگی یک لحظه مرا تنها نگذاشت و همیشه در تاریکی ها ، نوری هر چند کم سو از انوار مقدسش را بر من متجلی ساخت تا به خود غافل نباشم.

اکنون سرم را به آسمان بلند نموده و او را فریاد می زنم که ای خالق بی همتا ! از علم بی کرانت اندکی نصیب من بفرما تا بیشتر تو را بشناسم و همین که فرصت شکرگزاری از نعمات را نصیب نمودی بر من منت نهادی .

در تمام دوران تحصیلات دانشگاهی در پی زمان مناسبی بودم تا زحمات اساتید محترم و گرامی ام را قدردان باشم و حال در این مقاله ، این فرصت را غنیمت شمرده و از جناب آقای دکتر عمران پور یکی از اساتید مجرب و نمونه دانشگاه اراک که راهنمایی این بنده حقیر را در این رساله بر دوش کشیدند ، بسیار سپاسگزارم. ایشان همچون پدری مهربان با صبر و بردباری مرا هدایت نمودند ، امیدوارم توانسته باشم گوشه ای از زحمات ایشان را جبران کنم. همچنین از سرکار خانم دکتر صهبا که در تمام مراحل تکمیل این رساله راهکارها و مشاوره های ایشان بسیار یاری دهنده بوده و برای حفظ آرامش و اعتماد به نفس بنده از هیچ کوششی دریغ نورزیدند.

تحلیل ساختاری و محتوایی «جزیره سرگردانی»

چکیده:

خانم «سیمین دانشور» بی شک، تواناترین و مشهورترین زن داستان نویس ایران است. وی از خود آثار ماندگار و زیبایی به جا گذاشته که رمان «سو و شون» یکی از آنها است. اثر اخیر او که کمتر به آن پرداخته شده، رمان جزیره سرگردانی می باشد که به بررسی بخشی از تاریخ معاصر ایران و اوضاع و احوال مردم در آن دوره، در کنار روایت داستان می پردازد. این رساله در صدد است با تحلیل ساختاری رمان فوق و شرح و گزارش پیوند درونی که میان عناصر داستان برقرار است و زبانی که نویسنده اختیار نموده، چارچوب اصلی داستان و برخی سایه روشن های ذهن دانشور را آشکار نماید. پس از تحلیل موضوع و محتوای آن و رسالتی که بر عهده گرفته، با برخی مؤلفه های پست مدرنیستی در این رمان بیشتر آشنا می گردیم.

کلید واژه ها:

۱- سیمین دانشور، ۲- جزیره سرگردانی، ۳- ساختار، ۴- پست مدرنیسم، ۵- زبان

پیش گفتار

«جزیره سرگردانی» رمانی است که انسان پس از خواندن آن برای بار نخست گویی در جزیره دورافتاده سرگردان و حیران می ماند. این سرگردانی نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی علل ایجاد آن پردازد و ابهامی را که در داستان نهفته است، کشف نماید و انگیزه اصلی از بررسی این اثر دانشور آن است که گوشه هایی از ذهن و زبان نویسنده را روشن کند. وجود خانم دانشور به عنوان یکی از اشخاص داستان هم دلیل دیگری بود که نظر نگارنده به این داستان جلب شد. با تحقیق و بررسی که روی این اثر انجام شد، روشن گردید که خانم دانشور آگاهانه و هوشیارانه به این نکات توجه نموده و به نظریه ادبی پست مدرن نظر داشته است بنابراین به بررسی دو نظریه ی مدرن و پست مدرن و ویژگی های برجسته هر یک از آنها پرداخته شد. در این راستا، پس از جستجو در سایت های علمی و ادبی و کسب اطمینان از اینکه این تحقیق مسبوق به سابقه نیست – به جز مقاله ی دکتر حسین پاینده و دکتر جواد اسحاقیان که به صورت مختصر و جزئی به این موضوع پرداخته اند – اقدام به جمع آوری اطلاعات و مطالب مورد نیاز از منابع معتبر و سایت های مختلف نموده و سپس به صورت فیش های مرتب، دسته بندی و تهیه گردید. سپس با توجه به مطالب نظری فراهم شده، رمان از دیدگاه های مختلف مورد نظر مطالعه شد. رمان جزیره سرگردانی اثر سیمین دانشور که مثال های موجود در این رساله از آن بر گرفته شده است چاپ تهران، انتشارات خوارزمی سال ۱۳۷۲ می باشد. برای انجام تحقیق چند مرتبه از ابتدا تا پایان رمان بررسی و نکات مورد نیاز فیش برداری گردید و پس از فراغت از تهیه فیش ها، به تحلیل و بررسی مطالب جمع آوری شده پرداخته شد. امید است نتایج حاصل از تحقیق برای دانشجویان علاقمند به ادبیات داستانی مثمر ثمر واقع شود.

درباره ی سیمین دانشور

خانم سیمین دانشور ، بانوی ادب معاصر فارسی، در سال ۱۳۰۰ شمسی در خانواده ای مرفه و فرهنگی در شیراز متولد شد. پدرش دکتر ایل بود و سیمین به همراه پدر به اطرافگاه ایل قشقایی زیاد می رفت . تصاویری که از زندگی ایلایاتی دیده بود ، در سووشون به تصویر کشیده شده است. در سالهای ۲۲ و ۲۱ حضور متفکین در شیراز اولین جرقه ها را در ذهن دانشور برای طرح سووشون روشن کرد. سیمین دانشور و جلال آل احمد در سفری از شیراز به تهران در سال ۱۳۲۷ آشنا شدند و ازدواج کردند. دانشور دکترای ادبیات فارسی است و تخصص زیباشناسی گرفته است.

وی استاد دانشکده هنرهای زیبایی دانشگاه تهران بود. او هنوز دانش آموز بود که اولین مقاله اش در روزنامه ی «پارس» شیراز چاپ شد. بعد با مطبوعات دیگر همکاری کرد و قصه ها و مقالات و طنزهایش در روزنامه ی ایران ، مجله ملی امید ، آرش ، سخن و الفبا چاپ شد. دو کتاب «آتش خاموش» و «شهری چون بهشت» را پیش از دانشگاه چاپ کرد. وی نخستین زنی بود که در سال ۱۳۲۷ مجموعه ی داستانهای کوتاه خود را به شکل کتابی به چاپ رساند. مشوق وی در داستان نویسی فاطمه سیاح، استاد راهنمای وی و صادق هدایت بودند.

سیمین دانشور را می توان پر تیراژترین نویسنده ی جدی ادبیات معاصر دانست . سووشون او دوبار در انگلیس و امریکا ترجمه شد و تیراژ این کتاب از مرز ۴۰۰ هزار نسخه نیز گذشت. زندگی دانشور را به سه دوره می توان تقسیم کرد : دوره ی نخست کودکی و نوجوانی است ، در خانواده ای بزرگ از نظر تعداد و موقعیت اجتماعی ، در باغی بزرگ و خانواده ای مرفه . این دوره با آموزش و تربیت خردمندان سنتی در سفر به تهران و ورود به مدرسه امریکایی و مرگ پدر تمام می شود. در دوره ی دوم خانم دانشور مترجم و هنوز دانشجو است . این زمانی

است که ساختار کلی ادبیات جهانی و ارتباط آن با زمینه های دیگر هنر در ایران مبهم و ناشناخته است.

گروه معدودی از طریقزبان شناسی ، این شناخت را به دست آورده اند و بالطبع شگفت زده و تأثیر پذیرفته از آنند. سیمین دانشور در این طبقه جای دارد. زندگی با جلال توأم است با آموزش دیدن ، شناختن افراد ، سفر به امریکا و داشتن خانه ای که کانون برخورد افکار و منش های خاص است .

دوره ی سوم زندگی دانشور پس از جلال است که مهمترین دوره ی زندگی اوست که فرصت یافته تا گذشته را دوباره ببیند. وی بیش از ۲۰ سال در دانشکده ی ادبیات و هنر دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود . او از سال ۱۳۴۸ که جلال در گذشت به تنهایی در منزل شخصی اش زندگی می کرد .

وی بیشتر عمرش را صرف ادبیات خواندن ، نوشتن و درس دادن کرده است. در سال ۱۳۲۸ که مدرک دکتری خود را در رشته ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفت به امریکا رفت و درجه ی فوق دکتری تخصصی در رشته زیبایی شناسی را از دانشگاه آکسفورد کسب کرد.

در داستانهای سیمین دانشوراغلب به دغدغه های زنان به ژرفا نگریسته شده و زن چهره ی مستقلی از خود به نمایش گذاشته است . در رمان «سووشون» زری، قهرمان این داستان نمونه ی زنی است که کمتر در ادبیات مان با آن مواجه هستیم . دررمان «جزیره سرگردانی» هم دانشور خواسته از دید یک زن به فرایند تاریخ و زندگی بنگرد . در این رمان ، حیرانی زن از دنیای مردان توصیف می شود . چنانچه می خوانیم: «مادر بزرگ گوش می ایستاد ، مامان عشی و حالا هستی ، از دوران مرد سالاری بیشتر زنان گوش ایستاده اند ، دروغ گفته اند، تحمل کرده اند، مدارا کرده اند، چراکه راهی به جمع جدی مردهانداشته اند...».(ص ۱۶۱)

روحي مادرانه بر همه ي اين رمان حاکم است که هيچ چيز نابخشودني تر از گريز از باروري و عطوفت مادرانه نيست.

زنان آثار خانم دانشور ارزش هاي نمونه پذيرفته شده جامعه را مورد پرسش قرار ميدهند. اين زنان ارزش هاي دنياي مردانه را با ترديد مي نگرند. هردو رمان خانم دانشور مضموني سياسي ، اجتماعي دارد و زنان رمان ها داراي تفکر سياسي هستند. در واقع مي توان گفت جهان بيني دانشور و نگاه او به زن در آثارش به چند محور اصلي تكيه دارد:

- نويسنده تنهائي را در ذات هر زني مي داند که تنها با هنر و يا مرد مي تواند به انتها برسد.

- تصويرگري ماهرانه از تضادهاي زنانه براي بدست آوردن آزادي و امنيت که از ديدگاه نويسنده در تقابل هم هستند .

- توجه به اسطوره هاي ملي و قومي .

- طراحي و تصوير سازي از آدم هاي عادي و دغدغه شان.

- تنهائي جبري کليه شخصيت هايي که به گونه اي متفاوت عملي کنند.

- تصوير سازي از پير زناني که متفاوت با عرف و سنت هميشگي عمل مي کنند و خود پيشتازند.

- شناخت کامل و تصوير گري هنرمندانه اي از زندگي .

- شناخت دقيق از عرفان شرقي .

- تمايز آثار از ديد و نگاه زيبايي شناسي .

- نگاهي به تضادهاي انسان معاصر.

- زن محور بودن آثار.

- تأثير عميق تاريخ معاصر.

گرچه به گفته ی شاعر بلند آوازه مان حافظ «قبول خاطر و لطف سخن خدا داد است» لیکن نمی توان انکار کرد که پرورش در خانواده ای ادب دوست و هنر پرور و آموزش در نزد استادانی دانشمند در رشد و کمال استعدادهای ذاتی سیمین تأثیری به سزا داشته است.

خانم دانشور در زمینه ی ترجمه نیز فعال و توانا بوده است. کتاب ها ، داستانها و نمایش نامه های زیادی را از انگلیسی ترجمه کرده است که معروف ترین آن ها ، نمایشنامه ی «باغ آلبالو» اثر آنتوان چخوف، «سرباز شکلاتی» از جرج برناردشا ، «بئاتریس» از آرتور شنیسلر ، «کمدی انسانی» از ویلیام سارویان ، «دشمنان» از چخوف ، «داغ تنگ» از ناتانیل هاتورن، «ماه عسل آفتابی» ، «بنال وطن» از آلن پیتون و «چهل طوطی» (با همکاری زنده یاد جلال آل احمد) می باشند.

افزون بر این دو زمینه بسیار گسترده ، یعنی ترجمه ی آثار گرانبهای ادبی جهان و آفرینش داستانهایی که همواره در تاریخ و ادبیات کشور ما و زبان پارسی خواهند درخشید ، سیمین دانشور پژوهشگر و منتقد ادبی و هنری کم نظیری نیز هست.

دو جلد کتاب « شاهکارهای فرش ایران» او به زبان فارسی و انگلیسی از آثار کم نظیر و کم یاب در زمینه ی فرش شناسی است. در زمینه ی نقد فلسفه و عرفان، از ارسطو و افلاطون و فلوطین گرفته تا هگل و محی الدین عربی و سهروردی و جلال الدین مولوی را مورد بررسی قرار داده است.

در قلمرو دین شناسی (جامعه شناسی مذهب) که شامل زرتشت و مانی تا مسیحیت و اسلام می شود، نیز تحقیقات مفیدی انجام داده است.

تمام شعرا و ادبای ایران از فردوسی و حافظ گرفته تا زنده یادان پروین اعتصامی و فریدون مشیری را مورد بررسی قرار می دهد و نظرش را صادقانه و بی پروا درباره ی هدایت، چوبک،

جلال ، کافکا و دیگران اظهار می دارد. بسیاری از نویسندگان یا هنرمندان که خود یا آثارشان مورد نقد و بررسی دانشور قرار گرفته اند ، از دوستان و آشنایان او بوده اند یا هستند. اما او در نقد و داوری خود فقط حقیقت و واقعیت را در نظر می گیرد نه دوستی و آشنایی و حتی خویشاوندی را.

بدین سان یکی از خصلت های برجسته ی خانم دانشور ، گستره ی دامنه ی اطلاعات و معلومات اوست. او در تمام زمینه های علمی ، ادبی،اجتماعی ، هنری و حتی سیاسی و بهداشتی ، آگاهی های بی اندازه ای دارد. البته این آگاهی ها بیشتر در قلمرو علوم انسانی و هنرهای گوناگون است، مانند تاریخ ادبیات ، جامعه شناسی ، نژاد شناسی ،تاریخ ادیان و مذاهب گوناگون، باستان شناسی،تاریخ تئاتر و نمایش نامه نویسی ،تاریخ موسیقی ، تاریخ نقاشی ، تاریخ معماری ، به ویژه زیبایی شناسی (استتیک در تمام شعب و ریشه های فلسفی و تاریخی آن).او در مورد اقوام گوناگون کشورمان و زبان ها و عادات و آداب آنها اطلاعات با ارزشی دارد .

اما در برابر این وسعت اطلاعات و حجم کارنامه ی ادبی و اجتماعی سیمین دانشور، فروتنی و خود کوچک انگاری او اعجاب انگیز است. او با این همه معلومات که دارد به قدری متواضع است و به قدری به دیگران ،حتی به کوچکترین شاگردانش احترام میگذارد و برای آن ها شخصیت قائل است که بیننده را مات و مبهوت می کند.

نگاهی به دو اثر ماندگار نویسنده:

نویسنده بر اساس اسطوره ی سیاوش ، رمان سووشون را می نویسد. اما جزیره سرگردانی، دنیای سرگردان معاصر است ، آدم ها مرز ندارند. در سووشون قهرمانان ، دو سوی مرز مشخص ایستاده اند . در جزیره سرگردانی این مرزها در هم می شکنند . جزیره سرگردانی به اعتباری می تواند محصول سال های زندگی خودمان باشد که در آن سرگذشت هستی نسلی که در دهه ی چهل بالیده و در دهه ی پنجاه به بن بست رسیده ، به تصویر کشیده شده است . نویسنده در اینجا مادر بزرگ تکراری آثار ادبی را نمی سازد و «توران جان» در رمان زندگی می کند، فکر می کند، تخیل می کند و با خواننده همراه می شود.

سیمین دانشور نویسنده ای جسور است که از روایتی اسطوره ای زیبا چون سووشون به دل شهر نشینی سفر کرده است، هر چند در اینجا نیز جزیره سرگردانی تمثیلی از ایرانمان است . او در این اثر پیچیدگی روانی مردم ایران را نیز به تصویر کشیده است. تاریخ ، اسطوره ، جغرافیا ، هنر ، رمان ، عشق و سیاست تماماً در آثار این بزرگ بانوی ادبیات مان موج می زند.

منابع:

- گلشیری، هوشنگ (۱۳۷۶): جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور، تهران؛ انتشارات نیلوفر، چاپ اول
- دهباشی، علی (۱۳۸۳): بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن نامه سیمین دانشور) تهران؛ انتشارات سخن، چاپ اول
- میر صادقی، جمال (۱۳۸۱): داستان نویسان معاصر ایران، تهران؛ نشر اشاره، چاپ اول
- عابدینی، حسن (۱۳۶۹): صد سال داستان نویسی در ایران، تهران؛ نشر تندر

صفحه	فهرست عناوین
	مقدمه :
۲	ساختار گرایي
۵	پسا ساختار گرایي
۷	ساختار
۹	زبان
۱۱	زبان و ساختار گرایي
۱۳	پي نوشت ها
۱۵	مدرنيسم
۱۹	ادبيات مدرن
۲۳	پست مدرنيسم
۲۹	ادبيات پست مدرن
۳۶	پي نوشت ها
	تحليل ساختاري رمان:
۴۰	نقد ساختاري
۴۱	جزيره سرگرداني
۴۷	شخصيت ها
۵۶	طرح رمان
۵۹	گفت و گو ها
۶۰	سياست در جزيره
۶۴	زاويه ديد
۶۵	توصيفات
۶۹	پي نوشت ها

تحلیل بر اساس معیارهای پست مدرنیسم:

۷۱	مدرن و پست مدرن
۷۴	معیارهای پست مدرن در جزیره:
۷۴	عدم قطعیت
۸۰	دور باطل
۸۲	ویژگی های فراداستانی القای سرگردانی:
۸۴	۱- زمان پریشی ها
۸۷	۲- به کار گیری چند صدا برای روایت
۹۰	روان پریشی
۹۱	زبان در جزیره
۱۰۰	فاصله با واقعیت
۱۰۲	وهم گرایی
۱۰۴	پی نوشتها
۱۰۵	نتیجه گیری
۱۰۹	فهرست منابع
۱۱۲	فهرست مقالات

مقدمه

ساختارگرایی :

واژه ی ساختارگرایی که بیش از چند دهه از کاربرد آن نمی گذرد ، از ریاضیات و فیزیک به زیست شناسی و از آنجا به زبان شناسی ، روان شناسی ، جامعه شناسی و اقتصاد راه یافت . این اصطلاح در سال ۱۹۵۸ با اثر پیشتاز مردم شناس ساختگرای فرانسوی «کلود لوی اشتراوس» درباره ی اسطوره ، باب روز شد و در سال های ۱۹۷۰ - ۱۹۶۰ ورد زبان همه بود. ساختار گرایی ادبی که از آثار سوسور آغاز شده است و نشانه شناسان فرانسوی آن را تکامل داده اند در حکم شکل آگاهانه ی بررسی مناسبات درونی یک شکل است . با این مباحث ، دیگر روشن شده است که می توان این الگوی صوری را به هر پدیده ای تعمیم داد.^۱

در ادبیات منظور از ساختارگرایی بیشتر به معنای نظامیکه بر پایه ی زبان شناسی ساختاری استوار است، می باشد. به موجب این رشته از دانش، بنا به گفته ی **لوسینگلدمن** ، زبان یک نظام ارتباطی است و در آن باید بین دال ومدلول فرق گذاشت.^۲

قبل از هر چیز باید به تعریف خود ساختارگرایی و نقش آن در سایر علوم پردازیم . همانطور که می دانیم ساختارگرایی یکی از رایج ترین مفاهیم علوم انسانی و علوم اجتماعی است. بر پایه ی این طرز فکر تعدادی ساختار باطنی و ناملموس ، چارچوب اصلی پدیده های ظاهری اجتماع را تشکیل می دهند. روش ساختارگرایی در نیمه ی دوم سده ی بیستم از سوی تحلیلگران زبان، فرهنگ، فلسفه ی ریاضی و جامعه ، به گونه ای گسترده به کار برده می شد. **تری ایگلتون** معتقد است واژه ی ساختارگرایی نوعی روش تحقیق را نشان می دهد که می توان آن را در مورد گستره ی وسیعی از موضوعات مختلف از مسابقات فوتبال تا شیوه های تولید اقتصادی به کار گرفت.^۳

ساختارگرایی به دنبال راهی است برای شرح و گزارش پیوند درونی ای که از طریق آن معنایی در یک فرهنگ ساخته می شود. بر پایه ی اندیشه ی ساختارگرا معنا در یک فرهنگ از راه پدیده ها و کارکردهای گوناگونی که سامانه معنایی را می سازند ، بارها پدیدار می شود. ساختارگرایی می تواند به پژوهش در ساختارهای نشانه مندی،مانند آیین های پرستش، بازی ها ، نوشتارهای ادبی و غیر ادبی ، رسانه ها و هر آنچه که در آن معنایی از درون فرهنگی بدست آید،پردازد و ساختار آن را بررسی می نماید.

در کتاب ساختار و تأویل متن از زبان ژنت می خوانیم که ساختارگرایی تنها یک روش نیست ، بلکه همان است که «ارنست کاسیرر» **گرایش همگانی اندیشه** نام داده است. او شرط نخست را درک مناسبات درونی و ساختاری متنوع دانست و نوشت که تمامی عوامل خارجی را باید همچون نکات فرعی کنار گذاشت و شکل را نکته ی اصلی دانست. به گمان ژنت ، آیین تحلیل مایه های اثر،ناگریز به مجموعه ای از درون مایه ها می رسد که شکل نادقیق ساختار است.^۴

نظریه های **فردینان دو سوسور ، رومن یاکوبسن و کلودلوی اشتراوس** که به عنوان پایه گذاران ساختارگرایی شناخته شده اند ، سعی در آشکار ساختن کلی ، فراگیر و ناخودآگاه تمدنهای متفاوت بیشتری داشت که در زیر بنای شکل گیری تمام نظام های ممکن (همچون نظام های زبانی ، اسطوره ای ، خویشاوندی و...) قرار گرفته اند.

هر یک از عناصر خود آگاه این نظام ها ، دارای معنای خاص خود هستند، اما در سطح ناخودآگاه معنی تنها در مناسبات میان عناصر یافتنی است.^۵

در مجموع ساختارگرایی می کوشد از ساختارهایی که حاملان واقعی معنا هستند در روابط متفاوت بین عناصر این ساختارها ، تصویر روشنی به دست دهد . ساختارگرایی در مطالعات ادبی ممکن است به بررسی ساختار بنیادی یک نوع ادبی پردازد همچنین ممکن است بکوشد

تنوع بسیار زیاد شخصیت‌ها را که در داستان و رمان می‌بینیم به تعدادی محدود که همیشه در روابط ثابت با یکدیگر قرار دارند کاهش دهد و یا ممکن است به مطالعه‌ی جنبه‌های روایی متون بپردازد تا امکانات روایت را نظام‌مند کند.^۶

همانگونه که گفته شد سوسور آغازگر ساختارگرایی ادبی است. سوسور به بررسی آنچه که مردم عملاً می‌گفتند علاقه‌ای نداشت، بلکه در پی دست‌یابی به ساختار عینی نشانه‌هایی بود که در وهله‌ی اول، مخصوص گفتار بود و این ساختار را «لانگ» می‌نامید. سوسور همچنین به اشیاء واقعی که مردم درباره‌ی آن صحبت می‌کردند نمی‌پرداخت. برای مطالعه‌ی مؤثر زبان، مصداق‌های نشانه‌ها یعنی چیزهایی که نشانه‌ها عملاً به آنها اشاره داشتند، باید در پراگماتیک قرار می‌گرفت.

دیدگاه‌های زبان‌شناختی سوسور فرمالیست‌ها را تحت تأثیر قرار داد، گرچه فرمالیسم خود دقیقاً نوعی ساختارگرایی نیست. فرمالیسم متون ادبی را از دیدگاهی «ساختاری» می‌نگرد. به گفته‌ی **فردریک جیمسون** ساختارگرایی «بازاندیشی درباره‌ی همه‌ی چیزها از دیدگاه زبان‌شناسی» است.^۷

گرچه ساختارگرایی نخست با مطالعه ساختار زبان آغاز شد، اما بعد توسعه یافت و با در نظر گرفتن موضوعات انسان‌شناختی و اسطوره‌ای رشد و گسترش یافت. ساختارگرایان به این نتیجه دست یافتند که زبان یک ساختمان اجتماعی است و هر فرهنگ برای رسیدن به ساختارهای معنایی، روایت‌ها و یا متن‌ها را وسیع و متحول می‌کند و بدین شیوه مردم می‌توانند تجارب خود را سامان دهند و معنا بخشند.

بهرام مقدادی در فرهنگ نقد اصطلاحات ادبی در مورد ساختارگرایان چنین سخنی گوید: «به طور خلاصه ساختارگرایان در نقد ادبی به جای پرداختن به شرح حال و عقاید

نویسنده یا بررسی موشکافانه ی متن جهت استخراج معنا به کشف و تبیین نظام حاکم بر اثر ادبی و ارتباط آنها با نظام حاکم بر آن نوع ادبی یا کل ادبیات پرداختند.^۸

ساختگرایی ادبی یعنی ردّ ارزشیابی های بیهوده جامعه شناسی، روان شناسی و ... در متن ادبی ، یعنی تحلیل متون ادبی از دیدگاه های علوم اجتماعی و انسانی کار اصلی ساختگرایی محسوب نمی شود. به بیانی دیگر هیچ چیز خارج از نظام ادبی نباید وارد حیطه ی نقد ادبی شود.

خودداری از نزدیک شدن به مؤلف و ایدئولوژی او به عنوان شیوه ی توضیح درون مایه ی اثر هنری ، ساختار گرایی محسوب می شود . از دیدگاه ساختار گرایی در تحلیل یک متن ادبی مثلاً داستان، مهم نیست که داستان از مجموعه ی طراز اول ادبیات هست یا نه. زیرا هر اثری قابل تحلیل است و این یعنی رد ارزشیابی های ذوقی . ساختار گرایی مواجهه ای حساب شده با نقادی های پیش از خود است ، زیرا خود متن سخنگوست و نیازی به مؤلف نیست و خود متن در پی تنظیم ساخت خود و رابطه ی درونی اش برمی آید.

تری ایگلتون در این باره نوشته که ساختگرایی معنای آشکار داستان را رد می کند و به جای آن در پی جدا کردن برخی «ژرف ساختهای درونی» آن ، که در سطح به چشم نمی خورند ، بر می آید. اگر محتوای خاص متن قابل جایگزین کردن باشد ، پس به تعبیری می توان گفت که محتوای روایت همان ساختار آن است.^۹

پسا ساختار گرایی :

آنچه به عنوان «پسا ساختار گرایی» معروف شده است ، نگرشی است به جهان که به نتیجه های نظری پیشین وابسته است و هم می کوشد تا از آنها فراتر رود. همانطور که هنرمندان «پسا مدرنیست» به شیوه های تازه ای که مدرنیسم در رویارویی با مسائل قدیمی زیبایشناسی

پیشنهاد می کرد، تکیه دارند. آنها می خواهند با مدرنیسم همان کاری را بکنند که خود آن با هر گونه برداشت زیبایی شناسیک پیشین کرده بود.^{۱۰}

پساساختارگرایی، به عنوان جنبشی که پهنه ی علوم انسانی را در دهه های پایانی سده بیستم درنوردیده و رشته های گوناگونی - از فلسفه و جامعه شناسی گرفته تا نقادی نظری و زیبایی شناسی - را به شدت تحت تأثیر قرار داده، پیوندی ناگسستنی با اندیشه و ادبیات پسامدرن یافته است. آن چه امروزه نظریه ادبی معاصر و یا نقادی پسامدرن نامیده می شود، بی گمان بر آمده از کوشش های پاساختارگرایانی است که مهمترین مفاهیم و راه گشایترین رویه هارا برای این نظریه و نقادی فراهم کرده اند.

بابک احمدی دومنش عمده «پساساختارگرایی» را اینگونه بیان کرده: «از یکسو نمایانگر گسست از پاره ای از مهمترین پیشنهادهای ساختارگرایی است و از سوی دیگر نشان از باقی ماندن در محدوده ی سخن ساختاری دارد. نکته اینجاست که نه تنها آغازگر اندیشه ی پاساختارگرایی «ساختارگرایی» بوده، بلمهمترین دستاوردهای پاساختارگرایی آنجا آشکار شد که در پی پاسخ دادن به پرسش هایی بر آمد که پیشتر ساختارگرایی مطرح کرده بود.^{۱۱}

برخی نوشتارها که اغلب رمان ها و داستان های واقع گرا را در بر می گیرد، شاید یک متن بسته و معنای محدود یا واحد را ارائه کند اما سایر متون، خواننده را به تولید معانی تشویق می کند و در واقع جزو متن های پیشرو و تولیدی هستند، آنقدر سطرهای سفید دارند که خواننده باید خود، آنها را پر کند. پاساختارگرایان در مورد وحدت متن نیز به انکار این مسأله می پردازند: «ایشان معتقدند که خواندن در جستجوی وحدت همواره متضمن تبحر، کفایت رأی و در نظر گرفتن محدودیتی ارادی برای معنی است. آنان این نکته را که روان انسانی دارای آن نوع وحدتی است که روان شناسی نفس به آن نسبت می دهد، رد می کنند...»^{۱۲}

حال که با دو بحث ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی آشنا شدیم ، لازم است معنا و مفهوم دقیق ساختار از دیدگاه های مختلف روشن شود و غرض از نقد ساختاری آشکار گردد، بحث بعدی به این موضوع اختصاص دارد.

ساختار:

ساختار چیزی محسوس و واقع در جهان خارج نیست بلکه صرفاً جنبه ی اعتباری و ذهنی دارد و اگر چه در مجموع اجزای متشکله ی خاصی است که با هم ارتباط و تعامل دارند، اما حاصل جمع آنها ساده نیست و از معانی و ارزش هایی بالاتر از مجموعه ی عناصر و آمار محسوس و عینی برخوردار است.^{۱۳}

ساختار به معنی نظام در یک متن ، شکل یا فرم، زبان ، عناصر داستانی ، نشانه ها و رمزها یا به طور کامل تک تک اجزای یک متن را در بر می گیرد و اگر ادبیات داستانی مدرن که اغلب داستانهای کافکا ، وولف ، جویس و ... را برای آن مثال می زنند ، دارای یک نوع پیچیدگی و ابهام خاصی است ؛ لیکن این متون خواننده ای هوشیار و آگاهی طلب تا ژرف ساخت های معنایی و درون مایه ای را از لا به لای سنگلاخهای بازی زبانی که سرگشتگی نشانه ها را نیز به همراه دارد بیابند و بین زبان داستان که اساس روش ساختگرایی می باشد و راههای عملی آن را که کشف تقابل های دو گانه ، قلب ، توازی و غیره هست ، با فضای متن و عناصر تشکیل دهنده ی آن مرتبط سازند و در نهایت به یک وحدت ساختاری برسند و اگر سیر داستان نویسی به ادبیات پست مدرن نیز کشیده شد – هر چند نمی توان با قاطعیت هیچ مرز مشخصی بین مدرن و پست مدرن کشید و اغلب مؤلفه های مدرن و پست مدرن را با هم در یک متن خاص می یابیم – باز هم می شود گفت متن دارای وحدت ساختاری است.